

فدراسیون طنز

(فوتبال قدیم)

رادیكال ياشی

داوران دومین جشنواره فیلم کمدی گل آقا، از بین همه شرکتکنندگان و طنزپردازان و بذلگوین و کمدی پردازان، فدراسیون فوتبال ایران را برنده اصلی این جشنواره دانستند.

البته هیئت داوران چنین چیزی را علناً بیان نداشتند، اما ما فهمیدیم که ایشان در آن ته و توی دلشان دوست داشتند تمام جوایز امسال را دو دستی تقدیم فدراسیون فوتبال کنند، اما از آنجا که سیاست‌های این فدراسیون مبنی بر خالی کردن عرصه برای شکوفایی استعدادهای نهفته بود، از اعلام کاندیداتوری برای انتخاب برترین‌های امسال سر باز زدند و کلی هم مسئولان این جشنواره را قسم دادند که دور آنها را خط بکشند که استعدادهای جوان و ناشناخته دیگر در نطفه خفه نشوند.

یکی از منابع نیمچه معتبر ما با اعلام این‌که هیئت داوران، فدراسیون فوتبال را تنها برنده اصلی جشنواره امسال کمدی گل آقامی دانستند، پرده از راز بزرگی برداشت و بیان کرد:

البته هیچ کدام از این حرف و حدیث‌ها را احدی از زین داوران این جشنواره نشنیده و نخواهد شنید! اما ته قلبشان را که ما نمی‌دانیم! و چون ما از ته قلب ایشان بی‌خبریم، پس مطمئن هستیم کسی تا این لحظه این خبر را رد نکرده، یقیناً واضح و میرهن است خبری که رد نشده باشد، معتبر است!

ما هم به این منبع خبری می‌افزاییم:

فدراسیون فوتبال ایران برای جشنواره امسال دست پرترا از سال گذشته و حتی شاید هم سال‌های آینده بود و می‌توانست در موارد ذیل کاندیدی جدی برای احراز رتبه اول باشد:

۱. ایجاد کش و قوس یکی دو ماهه بر سر انتخاب سرمربی تیم ملی (سال گذشته) و انتخاب سبک «سرمربی از راه دور» برای اولین بار در تاریخ که متأسفانه این طرح نیمه‌کاره رها شد.

۲. بفکار بردن نادرترین بهانه برای عدم همراهی تیم ملی کشور از سوی خلاق‌ترین بازیکن فوتبال ایران در این زمینه.

۳. انعقاد قراردادهایی در حد ورژن ۲ و ۳ «ترکمانچای» در راستای ارتقای سطح کیفی، کمی، فنی و بهینه‌سازی و غیره و الخ و ترغیب سرمربی فلان تیم برای دو دره کردن ده بیست میلیون طرفدار همان تیم.

۴. کشف استعدادهای خاص و اسطوره‌سازی در سایر رشته‌های ورزشی مانند:

«کیک بوکسینگ با خبرنگار!» «کشتی کج باز هم با همان خبرنگار!» و...
۵. ایجاد محیطی سازنده (!) در ورزشگاه‌ها جهت انتقال فرهنگ کاربرد گلاب به رویتن «الفاظ خانوادگی!» «ورزشگاه به کانون گرم خانواده‌ها!» و سایر موارد که فرصت گفتنش نیست. □



این بیماری را جدی بگیریم

فوتبال نه مرگ است، نه زندگی، و نه چیزی فراتر از آن! هرکس غیر از این می‌گوید افرات می‌کند، شک نکنید! فوتبال چیزی نیست که اگر نباشد دنیایمان مختل شود، فوتبال گوشه‌ای از زندگی ماست که به دنیای ما رنگ دیگری می‌دهد، رنگی از جنس هیجان، شادی، لذت و... ولی اگر قرار باشد مایه دل‌تنگی، دلخوری، رنجش و اعصاب خرد شدن شود، آن وقت حتماً زندگی بدون فوتبال زیباتر است.

وقتی مجید جلالی و دکتر بیژن ذوالفقارنسب دو تن از مربیان تحصیل کرده و متخصص، نسبت به وجود و خطر گسترش یک بیماری نه چندان تازه در فوتبال ایران هشدار می‌دهند، وقتی غلام حسین پیروانی یکی از دوست‌داشتنی‌ترین مربیان فوتبال ایران، می‌گوید به خاطر آن قصد دارد از تیم مقاومت سیاسی جدا شود باید رفته رفته به این برسیم که جنگ با این بیماری کاملاً ضروری و حیاتی است، هنوز نامی برای این بیماری انتخاب نشده، چون علائم و مشخصه‌های آن متفاوت است، نشانه‌هایی که گاهی از سوی برخی لیدها و به بدترین شکل ممکن (تخریب و توهین) نمایان می‌شود.

گروهی دیگر جریان ناسالم الفاظ و توهین‌هایی را که در ورزشگاه‌ها می‌شنویم به فراتر از این دایره محدود، مربوط می‌دانند و اعتقاد دارند لفظ «تماشاگر نما» فقط یک «خود گول زنگ» است و دامنه این ناهنجاری فرهنگی که ساده‌ترین مجال نمایش آن «کلمات فیلتر نشده» است، بسیار بیش‌تر از چند نفر است. این مهم نیست که این بیماری چند نفر را آلوده کرده، مهم این است که این بیماری خطرناک است و باید آن را جدی گرفت. □

